ما می‌گوییم:

قبل از جمع بندی اقوال لازم است به سخنان برخی دیگر از بزرگان هم اشاره کنیم:

کلام شیخ انصاری:

مرحوم شیخ ظاهراً به سبب اجماع مفهوم غنا، بحث خود را حول آنچه حرام است تنظیم کرده است.

ایشان می نویسد:

«و بالجملة، فالمحرّم هو ما كان من لحون أهل الفسوق و المعاصی التی ورد النهی عن قراءة القرآن بها سواء كان مساوياً للغناء أو أعم أو أخص، مع أنّ الظاهر أنْ ليس الغناء إلّا هو و إن اختلفت فيه عبارات الفقهاء و اللغويين:

فعن المصباح: أنّ الغناء الصوت. و عن آخر: أنّه مدّ الصوت، و عن النهاية عن الشافعی: أنّه تحسين الصوت و ترقيقه. و عنها أيضاً: أنّ كل من رفع صوتاً و والاه فصوته عند العرب غناء.

و كلّ هذه المفاهيم مما يعلم عدم حرمتها و عدم صدق الغناء عليها، فكلها إشارة إلى المفهوم المعين عرفاً.

و الأحسن من الكل ما تقدم من الصحاح، و يقرب منه المحكی عن المشهور بين الفقهاء من أنّه مدّ الصوت المشتمل على الترجيع المطرب.

و الطرَب على ما فی الصحاح: خفّة تعترى الإنسان لشدّة حزن أو سرور و عن الأساس للزمخشری: خفّة لسرور أو همّ.

و هذا القيد هو المدخل للصوت فی أفراد اللهو، و هو الذی أراده الشاعر بقوله: «أ طَرَباً و أنت قِنّسریّ» أی شيخ كبير، و إلّا فمجرّد السرور أو الحزن لا يبعد عن الشيخ الكبير.

و بالجملة، فمجرد مدّ الصوت لا مع الترجيع [المطرب، أو و لو مع الترجيع] لا يوجب كونه لهواً.

و من اكتفى بذكر الترجيع كالقواعد أراد به المقتضی للإطراب.

قال فی جامع المقاصد فی الشرح-: ليس مجرد مدّ الصوت محرماً و إن مالت إليه النفوس ما لم ينته إلى حدّ يكون مطرباً بالترجيع المقتضی للإطراب، انتهی.» [1]

۱. مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط-الحدیثة)، ج۱، ص۲۹۰.

@seyedhasankhomei

ما می گوییم:

۱. چنانکه روشن است مرحوم شیخ، غنا را «**مدّ صوت همراه با ترجیع مطرب**» بـر مـی شـمارد و تصـریح می‌کند که بقیه تعاریف، صحیح نیست و طرب را هم سُستی حاصل از شدت شادی یا غم برمی‌شـمارد و می فرماید «**مطرب بودن**» باعث می شود صوت در زمره «**لهو**» قرار گیرد و اضافه می‌کند هر کس هـم قید «مطرب» را نیآورده است، به آن نظر داشته و صوت مطرب را غنا می‌دانسته است.

۲. پس از منظر شیخ:

الف) غنا کیفیت صوت است(مدّ صوت)

ب) غنا، مطرب است

ج) طرب اعم از ناراحتی و شادی است

د) غنا آن چیزی است که لغو و باطل باشد

و ایشان به اینکه آیا غنا فقط صوت انسان است یا صوت آلات موسیقی را هم شامل می‌شود اشاره ندارد.

کلام مرحوم خویی:

ایشان درباره تعاریف مختلف غنا می نویسد که:

«عرفوا الغناء بتعاریف مختلفة إلا انها لیست تعاریف حقیقیة، لعدم الاطراد و الانعکاس، بل هی بـین إفراط و تفریط، فقد عرفه فی المصباح بأنه مد الصوت المشتمل علی الترجیع المطرب، و علی قوله هذا یخرج أکثر أفراد الغناء مما لم یحتوی علی القیدین المذکورین، فان مـن أظهـر أفـراده الألحـان التی یستعملها أهل الفسوق، و هی لا توجب الطرب إلا أحیانا، و لذا التجأ الطریحـی فـی المجمـع و بعض آخر فی غیره إلی توسعة التعریف المذکور بقولهم (أو ما یسـمی فـی العـرف غنـاء) نعـم قـد یحصل الطرب لحسن الصوت و إن لم یشتمل علی ترجیع.

و عرفه آخرون بأنه مجرد مد الصوت، أو رفعه، مع الترجیح أو بدونه، و بأنه تحسین الصوت فقـط، أو ترجیعه کذلک، و یلزم من هذه التعاریف أن یدخل فی الغناء ما لـیس مـن أفـراده قطعـا، کرفـع الصوت لنداء أحد من البعید، و رفع الصوت أو تحسینه لقراءة القرآن و المراثی و المدائح و الخطب، بل التکلم العنیف، مع أن الشارع قد ندب الی قراءة القرآن بصوت حسن، و بألحان العرب.

@seyedhasankhomei

بل فی بعضها (کان علی بن الحسین «ع» أحسن الناس صوتا بالقرآن). و فی بعضها:

إنه (کان یقرء القرآن فربما مر به المار فصعق من حسن صوته) و فی بعضها: (و رجع بالقرآن صوتک فان اللّه تعالی یحب الصوت الحسن یرجع به ترجیعا) و ستأتی الإشارة الی هذه الروایات، فان جمیع هذه الأفراد مما یصدق علیه الغناء علی التفاسیر المذکورة، و هی لیست منه قطعا.

و أیضا ثبت فی الشریعة المقدسة استحباب رفع الصوت بالأذان، و لم یتوهم أحد أنه غناء

و قد ورد أنه (ما بعث اللّه نبیا إلا حسن الصوت) و من الواضح جدا أن حسن الصوت لا یعلم إلا بالمد و الرفع و الترجیع.

و قد دلت السیرة القطعیة المتصلة إلی زمان المعصوم «ع» علی جواز رفع الصوت بقراءة المراثی، بل ورد الحث علی قراءة الرثاء للأئمة و أولادهم، و دلت الروایات علی مدح بعض الراثین کدعبل و غیره، فلو کان مجرد رفع الصوت غناء لما جاز ذلک کله. و توهم خروج جمیع المذکورات بالتخصیص تکلف فی تکلف.

و التحقیق أن المستفاد من مجموع الروایات بعد ضم بعضها الی بعض هو ما ذکره المصنف من حیث الکبری. و توضیح ذلک: أن الغناء المحرم عبارة عن الصوت المرجع فیه علی سبیل اللهو و الباطل و الإضلال عن الحق سواء تحقق فی کلام باطل أم فی کلام حق، و سماه فی الصحاح بالسماع، و یعبر عنه فی لغة الفرس بکلمة: (دو بیت و سرود و پسته و آوازه خواندن).

و یصدق علیه فی العرف أنه قول زور و صوت لهوی.»[1]

توضیح:

۱. تعریف های غنا، تعریف های حقیقی نیست چراکه نه جامع افراد است و نه مانع اغیار.

۲. تعریف مصباح (مدّ صوت مشتمل بر ترجیح مطرب)، جامع افراد نیست.

چراکه بسیاری از افراد غنا که ترجیع ندارند و یا اطراب ندارند، غنا هستند و مشمول تعریف نیستند.

۳. تعریف دیگران هم مانع اغیار نیست چراکه بسیاری از صوت‌ها را داخل در غنا می کند که غنا نیست.

۴. بلکه تحسین قرائت قرآن (مثل روایات مربوط به ائمه) غنا نیست.

۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج۱، ص۳۰۹.

@seyedhasankhomei

۵. همه پیامبران هم دارای صوت خوب بودند و خوبی صدا جز با مد و رفع و ترجیع معلوم نمی شود.

۶. اگر بگویند همه این موارد (قرائت قرآن و مرثیه‌خوانی) غنا هست ولی از حکم آن (حرمت) تخصیص خورده و خارج شده است، تکلّف است.

۷. پس غنا عبارت است از «**صدای دارای ترجیع**» که لهو و باطل باشد و باعث گمراهی از مسیر حق گردد. فرقی هم نمی کند مضمون این کلام، سخن باطل باشد یا سخن حق. [**ما می گوئیم**: پست کردن: پائین آوردن صدای آواز، امّا در فارسی، «**پسته خواندن**» وجود ندارد]

۸. در عرف به «**غنا**»، قول زور و صوت لهوی هم گفته می شود

مرحوم خویی با توجه به اینکه در تعریف غنا «**لهو**» را داخل کرده است، به توضیح «**لهو**» اقدام می نماید.

«فان اللهو المحرم قد یکون بآلة اللهو من غیر صوت کضرب الأوتار. و قد یکون بالصوت المجرد، و قد یکون بالصوت فی آلة اللهو کالنفخ فی المزمار و القصب، و قد یکون بالحرکات المجردة کالرقص، و قد یکون بغیرها من موجبات اللهو.

و علی هذا فکل صوت کان صوتا لهویا و معدودا فی الخارج من ألحان أهل الفسوق و المعاصی فهو غناء محرم.»[1]

توضیح:

۱. لهوی که حرام است دارای اقسامی است

۲.

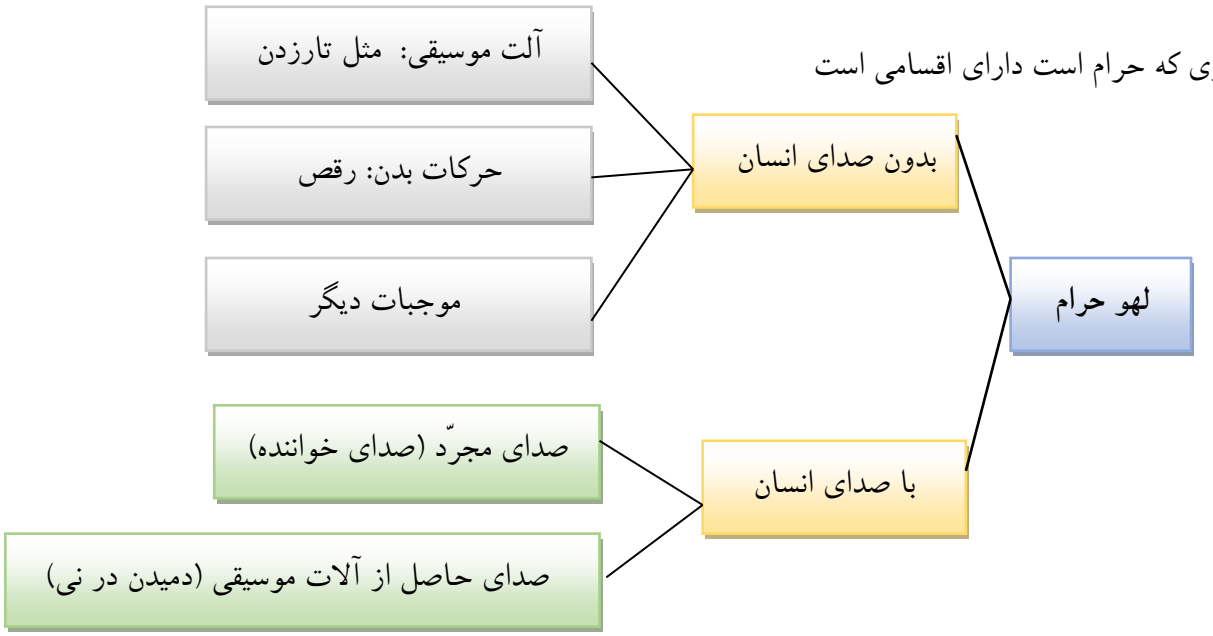

۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی، مصباح الفقاهة (المکاسب)، ج۱، ص۳۱۱.

@seyedhasankhomei